

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

بازتایپ و ارسال از: لاله

تاریخ حزب کار البانی

انستیتوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی
چاپ «نعم فر اشری» تیرانا ۱۹۶۹

بخش پانزدهم

۱۳ مارچ ۲۰۱۴

- تأسیس حزب کمونیست، در شرایط مبارزه برای رهائی ملی، ضرورتی تاریخی بود.

اشغال البانی بخشی از نقشه عمومی بود که دول فاشیستی به منظور استقرار سلطه خویش بر سراسر جهان اجرای آن را آغاز کرده بودند. سیاست گذشته های پی در پی که انگلستان، فرانسه و امریکا اعمال می کردند بیشتر موجب ترغیب مطامع تجاوز کارانه فاشیسم می شدند. دول غربی مذاکراتی را که فرانسه و انگلستان در اثر فشار افکار عمومی در ۱۹۳۹ با اتحاد شوروی شروع کرده بودند به منزله پوششی برای تشبثات خویش در مواضعه با هیتلر مورد استفاده قرار می دادند. از این جهت اتحاد شوروی به منظور دفع الوقت، به منظور تقویت دفاع خود و به منظور این که به تنهایی به جنگ در دو جبهه، در عین حال به ضد المان و به ضد جاپان، گرفتار نیاید در اگست ۱۹۳۹ با المان قرارداد عدم تعرض منعقد ساخت و چون هیتلری ها در روز های اول سپتمبر بر لهستان حمله بردند و تجاوز فاشیسم متوجه فرانسه و انگلستان نیز می گشت دول اخیر به المان نازی اعلان جنگ دادند.

به این طریق جنگ دوم جهانی، در آغاز جنگی بود بین دو بلوک عمده امپریالیستی. جنگ مذکور نتیجه تضاد های اجتناب ناپذیر سیستم سرمایه داری در دوره بحران عمومی وی بود. اما از سوی دیگر، خلق ها به ضد تجاوز و اسارتگری فاشیسم به پا خاسته بودند. مبارزه آنها در دفاع از آزادی و استقلال خویش و به منظور رهائی از یوغ بیگانه، مبارزه عادلانه ضد فاشیستی به شمار می آمد.

برقراری رژیم فاشیستی اشغالگرانه

اشغال البانی به دست ایتالیا آغاز دوران دشوار رقابت فاشیستی برای خلق البانی بود. مهاجمان ایتالیایی نظام مبتنی بر سلطه مالکان بزرگ ارضی و بورژوازی را دست نخورده نگهداشتند و علاوه بر آن بیدرنگ به طرح نقشه وسیعی از اقدامات سیاسی، اقتصادی و اداری پرداختند که هدف آنها عبارت بود از قانونی کردن و تقویت رژیم اشغالی، ایتالیایی کردن کشور، غارت منابع آن و تبدیل آن به پایگاهی برای توسعه تجاوز بر بالکان و به سوی شرق.

فاشیست های ایتالیایی برای نیل به این هدف ها به عوام فریبی و زور گویی متوسل شدند. آنها به منظور این که الحاق البانی را روپوشی کنند در تیرانا «مجلس مؤسسان» جمع کردند که «وحدت وجودی» البانی و ایتالیا را اعلام داشت، سلطنت البانی را به ویکتور امانوئل دوم پادشاه ایتالیا هدیه داد و حکومتی پوشالی به ریاست یکی از مالکان بزرگ ارضی به نام شفقت ورلاسی برای البانی تعیین کرد. در واقع البانی به صورت ولایتی از ایتالیا در آمد و دیکتاتوری فاشیستی در آن برقرار شد. «نایب الحکومه کل» ایتالیایی فرمان های دولت رم را مو به مو به موقع اجراء می گذاشت و تمام قدرت دولتی را به نام پادشاه در دست داشت. دولت پوشالی البانی چیز دیگری جز مجری اراده موسولینی، دیکتاتور فاشیست، و «نایب الحکومه» او نبود. وزارت خارجه البانی حذف شد و اختیاراتش به وزارت خارجه ایتالیا واگذار گردید. سایر وزارتخانه ها در واقع به وسیله «رایزنان» ایتالیایی اداره می شدند. نیرو های مسلح البانی که در ارتش امپراتوری ادغام شده بودند دیگر از فرماندهی ایتالیایی تبعیت می کردند. موافقت نامه مربوط به «تساوی حقوق مدنی و سیاسی اتباع ایتالیا در البانی» با البانی ها باعث شد که سیلی از ده ها هزار ایتالیایی (کارگر، زارع، تکنیسین، معلم، کارفرما، بازرگان، کارمند و غیره) برای اقامت به سوی البانی در حرکت آید. این ها و سپاهیان اشغالگر ایتالیا نیروئی را تشکیل می دادند که هدفش من جمله عبارت بود از مستعمره ساختن و فاشیستی کردن کامل البانی.

اشغالگران ایتالیایی از یک سو در صدد بودند که موجودیت دولت البانی را ظاهراً حفظ کنند، و از سوی دیگر رسماً اعلام داشتند که ایتالیا و البانی «سرزمین واحدی» را تشکیل می دهند. سرمایه ایتالیایی که هجومش تسهیل شد به صورت فرمانروای مطلق اقتصاد البانی در آمد و سراسر کشور را به منبع مواد خام و بازار محصولات خویش تبدیل کرد.

دولت ایتالیا نیز سراسیمه دست به کار شد تا البانی را به صورت پایگاهی نظامی و مبداء تجاوز بر کشور های همسایه بالکان در آورد. ساختمان راه های ستراتیژیک جدید، سرباز خانه ها، فرودگاه ها، استحکامات و غیره با همین هدف انجام می گرفت.

دولت موسولینی در سیاست اشغالگرانه خویش و در تبدیل البانی به ولایتی از ایتالیا از پشتیبانی کامل طبقات حاکمه مرتجع البانی برخوردار بود. همچنان پیش از ۱۹۳۹ ایتالیایی فاشیست در بین طبقات مذکور و در صفوف مهاجران سیاسی بورژوازی البانی همدستان نیرومندی یافته بود که در اسیر ساختن خلق البانی به او وفادارانه خدمت کردند. روشی که مالکان بزرگ ارضی البانی در پیش گرفتند عموماً بر همین منوال بود. حقیقت این است که مالکان بزرگ ارضی که حاضر بودند منافع ملت را تابع منافع مادی خویش گردانند همیشه با نیروهای استیلا جوی بیگانه که مزایای طبقاتی آنها را تأمین می کردند وابستگی داشتند. مالکان بزرگ ارضی که حامل سنتی فساد سیاسی بودند وقتی که فاشیسم ایتالیا را مدافع منافع طبقاتی خویش یافتند بیدرنگ از زوغو بریدند و سخت به اشغالگران چسبیدند و از سیاست آنها در البانی بدون چون و چرا پشتیبانی کردند. بیرقداران^۱ نیز در پیروی از همین منافع به آغوش فاشیسم افتادند. اشغالگران ایتالیایی از بی فرهنگی و از بقایای پاتریارکال در نزد این سرکردگان استفاده کردند. به داعیه های آنها میدان دادند و آنها را به صورت افزار های نابینای فاشیسم در البانی در آوردند.

بورژوازی ارتجاعی البانی نیز که بخش اعظمش از بورژوازی بزرگ تجاری تشکیل می شد به منافع میهن خیانت ورزید. وی که از مدت ها پیش مبارزه برای دفاع از آزادی و استقلال کشور را ترک گفته بود، به صورت نیروئی ضد انقلابی و ضد ملی در آمده بود. اشغال کشور به دست فاشیسم موجب اعتلاء بازرگانی گردید. بازرگانان بزرگ البانی در کنار مالکان بزرگ ارضی و کارمندان عالیرتبه فاشیست، به صورت واسطه و همکار انحصار های ایتالیایی در استثمار بازار البانی در آمدند. عده بسیاری از کارخانه داران کشور نیز که از رقابت با صنایع ایتالیا عاجز بودند به

^۱ - روسای قوم در نواحی کوهستانی البانی شمالی.

ناچار کارخانه های خود را تعطیل کردند و به سوی تجارت روی آورده سرمایه های بزرگی اندوختند. به این طریق بورژوازی بزرگ، همدست اشغالگران شد. روحانیت مرتجع نیز افزار فاشیسم بود. مقامات اشغالگر، نمایندگان آن طبقات و قشر های اجتماعی را که تشکیل دهنده ارتجاع البانی بودند به پست های مهم اداری و دستگاه فاشیستی دعوت کردند. به این امید که سلطه خویش را بر البانی به وسیله آنها قرین آرامش گردانند.

خلق البانی به زودی نتایج استقرار رژیم فاشیست را احساس کرد. در واقع خلق البانی آزادی و استقلال ملی خود را کاملاً از دست داد. از همان آغاز، صد ها میهن پرست به زندان ها و یا به اردوگاه های تبعیدیان در ایتالیا گسیل شدند. فاشیست ها برای این که اشخاص «مظنون در نظر رژیم» را مراقبت کنند دستگاه نیرومند پولیس به وجود آوردند. کارمندان اگر سوگند وفاداری به شاه یاد نمی کردند منفصل می شدند. قوانین فاشیستی موجب پیدایش محیط ترور و نا امنی در سراسر کشور گردید.

از طرف دیگر، امید های بیهوده به بهبود وضع اقتصادی که در اثر توسعه کار های ساختمانی و به ویژه ساختمان های نظامی و بالنتیجه کاهش موقت بیکاری و فراوانی محصولات ارزانش به وجود آمده بود به زودی بر باد رفت. کارگاه های پیشه وری که رقابت نیرومند صنایع ایتالیائی آنها را خورد می کرد یکی پس از دیگری تعطیل می شدند. ورشکستگی پیشه وران عمومیت یافت. کارگران مجبور بودند در برابر دستمزدی که در شرایط افزایش مداوم قیمت ها دست مزد فقیرانه ای بود روزانه ده ساعت کار کنند. تبعیض بین کارگران البانی و ایتالیائی که قبلاً نیز وجود داشت پس از اشغال باز هم بیشتر شد. هیچ گونه حمایت کار و بیمه کار برای کارگر البانی موجود نبود. کارخانه های ایتالیائی حق داشتند هر موقع نفع عمومی را در کار ها تشخیص بدهند یا جنبه استثنائی برای کاری قائل باشند روز کار را تمدید کند. غارت مداوم کشور به وسیله اشغالگران، به دهقانان نیز زیان فراوان رسانید. تحویل اجباری محصولات کشاورزی به بنگاه های سرمایه داری به قیمت بسیار نازل، سلب مالکیت از دهقانان خرده پا به وسیله بانک های ایتالیائی و غصب هزاران هکتار زمین برای احتیاجات نظامی، موجب تسریع فقیر شدن توده های دهقان گردید.

ادامه دارد...